



The role and status of women in modern Islamic civilization based on prioritizing women's responsibilities towards the Islamic government, family, and society

Mohammad Jabbarpur¹

Abstract

The emerging Islamic civilization, in both its theoretical and practical dimensions, faces a fundamental question regarding “**woman**” and **her position**. This question must not be confined within the limits of traditional reductionism or hybridized with Western paradigms; rather, it requires the **creation of a new framework** that recognizes the multilayered responsibilities of women. Examining the role of women without considering the concept and institution of the **family** leads to an incomplete and distorted understanding of their function. One of the main **identity and structural pillars of civilizations** is reflected in their model of family formation and governance, in which the role of women is crucial. Indeed, the distinctiveness of civilizations can, in part, be traced to their differing definitions of women’s roles. This study aims to **explain the role and position of women in the Islamic society**, such that their role is defined simultaneously in relation to the **Islamic government**, as the **beating heart of the family**, and as an **influential member of society**. The central issue is not the elimination or weakening of these spheres, but rather the **clarification of the logic of prioritization** among them. The research was conducted through **documentary methods** and the study of library sources. The findings indicate that in the **new Islamic civilization**, women are neither socially absent—as portrayed by some theorists—nor followers of the Western model of gender equality in public presence. Instead, the Islamic civilizational model presents a **third paradigm**, in which the definition of women’s roles is based on their **duties toward the Islamic government, society, family**, and the **unique physical and spiritual nature of women**.

Keywords: The role of women; civilization building; Islamic government; family-centeredness; modern Islamic civilization.

1. Assistant Professor, Imam Hossein University, Tehran, Iran.

Fadak4381@gmail.com

Cite this Paper: Jabbarpur’M.(2025). The role and status of women in modern Islamic civilization based on prioritizing women's responsibilities towards the Islamic government, family, and society. Civilizational interdisciplinary studies of Islamic Revolution. 4(15), 61-81.

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۳۰
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۲۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۳
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۲۸
صص: ۸۱-۶۱

شاپا چاپی: ۴۹۵۵-۲۶۴۵
الکترونیکی: ۵۲۶۹-۲۶۴۵



نقش و جایگاه زنان در تمدن نوین اسلامی بر پایه اولویت‌بندی مسئولیت بانوان در برابر حکومت اسلامی، خانواده و اجتماع

محمد جبارپور^۱

چکیده

تمدن نوین اسلامی، در گام نظری و عملی خود، با پرسشی بنیادین از «زن» و «جایگاه او» روبروست. نباید این پرسش را در دایره تقلیل‌گرایی‌های سنتی یا التقاط با الگوهای غربی گنجانده، بلکه مستلزم خلق هندسه‌ای نوین از مسئولیت‌های چندلایه‌ای بانوان است. بررسی نقش زنان، بدون در نظر گرفتن مفهوم و نهاد خانواده، منجر به شکل‌گیری تحلیل ناقص و نادرستی از نقش آنان خواهد شد. یکی از محورهای اصلی هویتی و ساختاری تمدن‌ها در الگوی تشکیل و اداره خانواده آن تمدن تجلی می‌یابد. در الگوی خانواده‌داری، نقش زنان بسیار حائز اهمیت است به نحوی که می‌توان یکی از وجوه افتراق تمدن‌ها را متأثر از تعریف نقش متفاوت آنان از جایگاه زنان به حساب آورد. هدف این پژوهش تبیین نقش و جایگاه زنان در جامعه اسلامی است، به نحوی که نقش آنان هم در قبال حکومت اسلامی و هم به عنوان قلب تپنده خانواده و هم عضو اثرگذار اجتماع تعریف شود. بنابراین، مسئله اصلی، نه حذف یا تضعیف این عرصه‌ها است، بلکه تبیین منطق اولویت‌گذاری در نقش زنان می‌باشد. این تحقیق با روش اسنادی و با مطالعه آثار کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد در تمدن نوین اسلامی، زنان نه متأثر از الگوی ذهنی برخی صاحب نظران، فاقد حضور اجتماعی هستند و نه مانند الگوی غربی که شعار برابری جنسیتی در حضور اجتماعی می‌دهند، بلکه راهی که تمدن نوین اسلامی ترسیم می‌کند الگوی سومی است که محور تعیین نقش در آن بر اساس وظایف زنان در برابر حکومت اسلامی، ولی جامعه، خانواده و نوع خلقت جسمی و روحی زنان می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: نقش زنان، تمدن‌سازی، حکومت اسلامی، خانواده محوری، تمدن نوین اسلامی

۱. استادیار، دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام، تهران، ایران

Fadak4381@gmail.com

استناد: جبارپور، محمد. (۱۴۰۴). نقش و جایگاه زنان در تمدن نوین اسلامی بر پایه اولویت‌بندی مسئولیت بانوان در برابر حکومت اسلامی؛ مطالعات میان‌رشته‌ای تمدنی انقلاب اسلامی، ۴(۱۵)، ۸۱-۶۱.

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

یکی از موضوعات اصلی در هویت و ساخت اجتماعی تمدن نوین اسلامی، ارائه تعریف درستی از نقش زنان در جامعه و خانواده بر مبنای آموزه‌های اسلامی است که بتواند پاسخگوی شبهات و اشکالات در این زمینه نیز باشد. این بازتعریف می‌بایست از یک سوء تمایز خود را با الگوی حضور اجتماعی تمدن غرب به عنوان جریان رقیب بیرونی مشخص نماید و هم از سوی دیگر، تمایز خود را با تلقی جریان متدین سنتی به عنوان جریان رقیب داخلی، که ذهنیت عمومی جامعه از دیدگاه اسلام در مورد حضور اجتماعی زنان متأثر از آن می‌باشد را تبیین نماید و هم علاوه بر این دو نکته، ریشه در تعالیم دینی ما داشته باشد.

امروزه با توجه به تحولات اجتماعی متأثر از دنیای مدرن، ایفای نقش زنان، ماهیت مستقل و متفاوتی به خود گرفته که نه با دنیای سنتی تطابق دارد و نه با تفکر اسلامی و شیعی. به بیان دیگر در جامعه ایران تراحم سه هویت مدرن، سنتی و اسلامی موجب آشفتگی هویتی و کژکارکردی در حوزه‌های اجتماعی و خانوادگی شده است. از آنجایی که جمهوری اسلامی ایران داعیه دار یک حرکت تمدن سازانه است، می‌بایست هویت و نقش زنان در تمدن مدنظر خود را متناسب با نظام ارزشی مقبولش، معنابخشی نماید. به عبارت دیگر هم می‌بایست معنای و الگوی حضور اجتماعی زنان تبیین شود و هم سازوکارهای اجتماعی متناسب جهت تحقق این الگو در ساختار و سازمان دولتی و حاکمیتی، طراحی و اجرایی سازی شود.

در نگاهی کلان به تعریف نقش زنان در جامعه عمدتاً سه دیدگاه مختلف وجود دارد: دیدگاه نخست که اکثراً در میان متدینین سنتی رایج است، مبنی بر حضور اجتماعی حداقلی است. البته باید توجه داشت که معنای حضور اجتماعی حداقلی در نگاه این طیف تشکیکی است و از حضور در حد ضرورت تا حضور در صورت اضطرار تقسیم بندی می‌شود. دیدگاه دوم که در جهان غرب امروزه در حال پیاده سازی است مبنی بر حضور حداکثری و بدون محدودیت زنان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی است. دیدگاه سوم که الگوی متفاوتی ارائه می‌کند با توجه به سه اصل دیدگاه خود را صورت بندی می‌کند: ۱. رتبه بندی و سطوح وظایف زن ۲. شاکله جسمی و روحی زن و مرد ۳. خانواده محوری. در این دیدگاه تفاوت زن و مرد به سطح و میزان انسانیت و

خلقت آن‌ها بر نمی‌گردد بلکه برای حصول امری والا به نام خانواده است. بنابراین در تعریف نقش زنان باید به پایداری کانون خانواده توجه جدی داشت. علاوه بر آن آنچه رتبه بندی وظیفه و نقش زنان را انجام می‌دهد در درجه اول وظیفه نسبت به حکومت اسلامی و ولی جامعه است، در مرحله بعد وظیفه زن در خانواده است و در رتبه سوم، وظیفه و نقش او نسبت به سایرین است. بنابراین مسأله اصلی این پژوهش تبیینی از نقش و جایگاه زنان در اجتماع بر اساس آموزه‌ها و مستندات دینی است به نحوی که بتواند رهیافتی برای الگوی امروزی حضور اجتماعی زنان در جامعه باشد.

قبل از بیان دیدگاه سوم باید به عنوان مقدمه ورود به بحث به دو اشکال رایج در حوزه زنان پاسخ داد. اشکال اول ناظر به فهم اولیه از برخی آیات و روایات است که برتری مردان بر زنان را نشان می‌دهد و اشکال دوم در مورد عدالت الهی در تقسیم وظایف زن و مرد است که در ادامه به پاسخ این دو اشکال می‌پردازیم:

در بازنمایی جایگاه و نقش زنان برخی آیات و روایت منجر به بروز شبهاتی در ترسیم این نقش می‌شوند که از جمله جدی ترین این شبهات موارد ذیل می‌باشد. برداشت اولیه از این متون مبتنی بر برتری مدیریتی و عقلانی مرد و بهرمندی و منفعت اقتصادی بیشتر آنان می‌باشد:

۱. الرجال قوامون علی النساء... (نساء: ۳۴)

۲. وللرجال علیهن درجه... (بقره: ۲۲۷)

۳. للذکر مثل حظّ الأنثیین... (سوره: ۱۱)

۴. أو من ینشؤا فی الحلیة و هو فی الخصام غیر مبین... (زخرف: ۱۸)

۵. هن نواقص العقول... (شریف رَضی: ۱۳۷۹)

در پاسخ به این شبهات باید در نظر داشت، تا زمانی که شناخت کلان از دیدگاه اسلام نسبت به مدیریت خانواده و اجتماع نداشته باشیم، فهم درست و دقیقی از جایگاه و نقش زنان نیز نخواهیم داشت. در نگاه کلان اسلام به خانواده، دین با توجه به طبیعت و شاکله زن و مرد به تقسیم وظایف پرداخته و شاکله را محور نقش‌دهی فردی، خانوادگی و اجتماعی دانسته است.

اسلام، مرد را قوام و زن را ریحان می‌داند. این نه جسارت به زن است نه جسارت به مرد. نه نادیده گرفتن حق زن است و نه نادیده گرفتن حق مرد، بلکه، درست دیدن طبیعت آن‌هاست.

ترازوی آن‌ها هم اتفاقاً برابر است، یعنی وقتی جنس لطیف و زیبا و عامل آرامش و آرایش معنی محیط زندگی را در یک کفه می‌گذاریم، و این جنس مدیریت و کارکرد و محل اعتماد و اتکا بودن و تکیه‌گاه بودن برای زن را هم در کفه دیگر ترازو می‌گذاریم، این دو کفه با هم برابر می‌شود. نه آن بر این ترجیح دارد و نه این بر آن. (مقام معظم رهبری: ۱۳۷۸/۱۲/۲۲)

هر تمدن بر اساس جهان بینی که دارد، جایگاهی برای زنان در حکومت و اداره اجتماع قائل است. برای فهم دقیق و بنیادین نقش زنان در یک تمدن، در ابتدا باید اشاره‌ای به جهان بینی تمدنی آن تفکر یا حکومت داشته باشیم. قرآن کریم به عنوان اصلی‌ترین منبع مکتوب الهی در جهان بینی اسلامی، اصل خلقت زن و مرد را یکسان می‌داند (نساء: ۱). علامه طباطبایی در تفسیر آیه آغازین سوره مبارکه نساء می‌گوید: "همه مردم در اصل انسانیت و در حقیقت بشریت با هم متحدند و در این حقیقت بین زنشان و مردشان، صغیرشان و کبیرشان، عاجزشان و نیرومندشان، فرقی نیست." (طباطبایی، ۱۳۷۸ش، ج ۴: ۲۱۳) به عبارت دیگر، این آیه می‌خواهد بیان کند که انسان از حیث "حقیقت و جنس" یک واقعیتند و با همه کثرتی که دارند، همه از یک ریشه منشعب شده‌اند. (طباطبایی، ۱۳۷۸ش، ج ۴: ۲۱۵) در نگاه قرآنی (حجرات: ۱۳) عامل برتری زن یا مرد، در عاملی غیر از جنسیت مطرح می‌شود. امتیازی که نزد خدا امتیاز است و حقیقتاً کرامت و امتیاز می‌باشد، تقوا است. (طباطبایی، ۱۳۷۸ش، ج ۱۸: ۴۸۵) بنابراین در پاسخ به اشکال اول باید به دو نکته توجه داشت، اول آنکه در نگاه دینی تفاوتی در اصل خلقت زن و مرد نیست و معیار برتری در عاملی غیر جنسیتی به نام تقوا است و نکته دیگر برای فهم دقیق ریشه تفاوت‌های جسمی و روحی باید به طرح کلان دین در خلقت انسان که خانواده محوری است توجه شود. اسلام برای ایجاد و بقاء خانواده و شکل‌گیری مفهوم زوجیت این تفاوت‌ها را ایجاد کرده است.

در ادامه جهت رفع شبهه عدالت در تقسیم وظایف باید مفهوم تساوی و تشابه را تبیین نمود. استاد مطهری تلازم میان تساوی حقوق و تشابه حقوق در زنان را غیرمنطقی دانسته و برداشت غلط غرب از این نسبت را ریشه مسیر ناصواب دنیای مدرن در تعریف نقش زنان در جامعه می‌داند. ایشان تأکید دارند که عدالت با تشابه حقوق به دست نمی‌آید بلکه آن چه اهمیت دارد تساوی حقوق متناسب با ظرفیت‌ها و امکان‌های افراد است و برای فهم بهتر این موضوع مثال پدری را در تقسیم ارث بیان می‌کند که متناسب با توان فرزندان ولی به طور مساوی به هر کدام ارثی ظاهراً

متفاوت می‌دهد. (مطهری، ۱۳۷۶: ۱۳۰) بر اساس این دیدگاه، علت اختلاف هم به امر دیگری برمی‌گردد که ریشه در طبیعت مردانه و زنانه دارد. به بیان دیگر در اندیشه اسلامی راه رسیدن به کمال در زن و مرد متناسب با اقتضاء و داشته‌های روحی و جسمی آن‌ها برنامه ریزی شده است.

پیشینه پژوهش

در زمینه نقش زنان در اجتماع مقالات و آثار متعدد داخلی و خارجی منتشر شده اما در موضوع اولویت بندی نقش زنان در تمدن سازی با توجه به خانواده محوری، آثار چندانی نگاشته نشده است البته آثاری که به اصل نقش آفرینی اجتماعی بانوان می‌پردازد در این تحقیقات قابل استفاده خواهند بود، مانند:

عنوان اثر	نویسنده	سال انتشار	توضیحات
مسجد طراز اسلامی از دیدگاه امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری	محمد حسن جعفرزاده	۱۳۹۴	تمرکز بر تاریخچه و کارکردهای تاریخی مسجد
مؤلفه‌های هویت ایرانی اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری	عسگر اکبری	۱۳۹۹	اشاره محدود به عناصر هویت و خالی بودن محتوا از مسجد
سیاست گذاری فرهنگی مطلوب از دیدگاه مقام معظم رهبری	میشم فرخی	۱۳۹۳	اشاره کم‌رنگ به محتوای مسجد و هویت
عناصر هویت ساز در مساجد (نمونه موردی مسجد شیخ لطف الله)	شیوا شفیعی	۱۳۹۲	مطالعه موردی و مصداقی یک مسجد
مقاله حاضر	محمدعلی شیخ‌الاسلامی	۱۴۰۳	تحلیل جامع بر اساس بیانات رهبری، تمرکز بر نوجوانان، و ارائه مدل کاربردی برای مساجد

پژوهش‌های انجام شده گام‌های خوبی برای موضوع حضور اجتماعی زنان برداشتند اما وجه افتراق پژوهش موجود با سایر آثار در این مسأله است که تحقیق پیش رو تلاش دارد تا مسأله

حضور اجتماعی زنان را با توجه در نظر گرفتن نظام رتبه بندی وظایف زنان، خلقت و طبع زنانه و خانواده محوری مورد بررسی قرار دهد.

روش‌شناسی

روش گردآوری داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی اسناد تاریخی و روایی می‌باشد. با توجه به اینکه تاریخ‌نگاری ما در گذشته به صورت موضوعی نبوده، مجبور به بررسی چندین کتب تاریخی و روایی شدیم و همچنین آراء مرتبط با موضوع پژوهش در اندیشه حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری نیز مورد توجه قرار گرفت.

در این پژوهش کتب مرتبط تاریخی با مشورت اساتید تاریخ پژوه، شناسایی شده و بعد از بررسی، شواهد مؤید دیدگاه الگوی سوم حضور اجتماعی زنان در قالب مضامین ذیل اشاره شد: عدم برتری فردی و گروهی بر دیگران، حضور اجتماعی زنان، مدیریت خانه و خانواده، برخورد حکومت با زنان معارض، آموزش زنان، پاسخ به شبهات، هنر شعر، خطابه و سخنوری، خدمات پزشکی، پشتیبانی غذایی، آشپزی، تهیه دارو، رساندن مهمات و بیعت. در مرحله نهایی جهت ترسیم نقش زنان در تمدن نوین اسلامی، در دو سطح حکومت و خانواده به بیان ۵ نقش زنان در عرصه اجتماعی اشاره کردیم که شامل موارد ذیل می‌باشد: نقش تعلیمی، نقش فرهنگی-تبلیغی، نقش سیاسی، نقش نظامی و نقش مدیریت منزل.

یافته‌های پژوهش

برای فهم بهتر الگوی اسلام باید به فضای تاریخی آن دوره و دیدگاه‌های فکری آنان نسبت به زنان اشاره کرد. جهان تا قبل از اسلام نگاه بسیار بدی به زنان داشته و آن‌ها را به عنوان یک موجود مستقل و آزاد به حساب نمی‌آورد. اما همان‌طور که اشاره شد، اسلام نگاهی بسیار متعالی به آنان داشته و قائل به تفاوتی در خلقت میان زن و مرد و یا برتری مردان نسبت به زنان نبوده است. بررسی وضعیت و جایگاه زنان قبل از اسلام در میان قبائل بربر^۱، حکومت‌های متمدن^۲،

۱. قبائل بربر از قبیل ساکنین افریقا و استرالیا و جزائر مسکون در اقیانوسیه و آمریکای قدیم.

۲. حکومت‌هایی مانند مردم چین و هند و مصر قدیم و ایران.

حکومت دارای قانون و کتاب^۱ و جامعه عرب را می‌توان این‌گونه بیان کرد: اساس رفتار مردان با زنان عبارت بود از غلبه قوی بر ضعیف، به عبارت دیگر هر معامله‌ای که با زنان می‌کردند بر اساس قریحه استخدام و بهره‌کشی بود. محرومیت زن در این جوامع همه‌جانبه بود. زن را از تمامی حقوقی که ممکن بود از آن بهره‌مند شود، محروم می‌دانستند؛ مگر به آن مقداری که بهره‌مندی زن به سود مردانی بود که قیم زنان بودند. بشر در آن دوران درباره زن دو طرز تفکر داشت: یکی اینکه زن را انسانی در سطح حیوانات بی‌زبان می‌دانست؛ و دیگر اینکه او را انسانی پست و ضعیف در انسانیت می‌پنداشت. از نظر وضع اجتماعی نیز دو نوع طرز تفکر وجود داشت: یا زن را خارج از افراد اجتماع انسانی می‌دانستند و معتقد بودند زن جزء این هیكل ترکیب یافته از افراد نیست بلکه از شرایط زندگی او است و یا معتقد بودند زن مانند اسیری است که به بردگی گرفته می‌شود و اجتماعی که او را اسیر کرده، از نیروی کار او بهره‌می‌برد و از ضربه زدنش هم جلوگیری می‌نماید. (علامه طباطبایی، ۱۳۷۸: ۴۰۴-۴۰۳)

در میان اندیشمندان اسلامی به صورت کلی دو نگاه نسبت حضور زنان در عرصه اجتماعی وجود دارد. گروه اول مستند به روایات، جهاد زن را خوب شوهرداری او (حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ۲۳) یا مسجد زن را خانه او می‌داند (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق: ۲۳۸). بر این اساس تعداد قابل توجهی از بزرگان فقهی، نظیر علامه حلی، شهید ثانی، نماز خواندن در مسجد را مخصوص مردان دانسته (علامه حلی، ۱۴۱۹ق: ۳۵۳) و یا نماز در خانه را برای زنان با فضیلت‌تر می‌دانند (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق: ۵۳۸). در این نگاه حضور زن در حوزه اجتماعی حتی برای انجام اعمال عبادی محل اشکال است. البته در محذوریت و اقتضانات خاص، حضور اجتماعی زنان حکم متفاوتی دارد مانند جهاد دفاعی که در آن حتی نیاز به اذن امام را هم لازم نمی‌دانند (شهید ثانی، ج ۳: ۸). اما نگاه دیگری هم در میان متفکرین دینی وجود دارد که قائل به نحوه حضور اجتماعی دیگری برای زنان هستند؛ اما این جریان نیز دو نحله اندیشه‌ای دارد: گروه نخست، قائل به محوریت نقش زنان در خانواده هستند؛ و در کنار خانواده و یا از طریق آن به نقش آفرینی یا کنشگری در حوزه اجتماعی می‌پردازند. گروه دوم تفکیکی میان رسالت زن و مرد در خانواده و اجتماع قائل نیست؛ و حضور هر کدام را متناسب با علایق و تشخیص خود در اجتماع، مفید می‌داند.

۳. کلدانیان، آشوریان، رومیان و یونانیان قدیم.

به نظر می‌رسد اندیشه امامین انقلاب اسلامی به گروه نخست نزدیک‌تر است. در این نگاه حضور اجتماعی زنان در میدان مختلف اجتماعی نه تنها مذموم نیست؛ بلکه قابل تحسین و الگودهی به مردان نیز هست. همچنان که تظاهرات‌های ضد شاهنشاهی با پیش‌قراولی بانوان در جامعه گسترش پیدا کرد و در حضور اجتماعی میان مردان و زنان، تفاوتی نیست. (امام خمینی، ۱۳۸۹ش: ۲۹۹-۳۰۰) اما دو ملاحظه جدی وجود دارد: ملاحظه نخست اینکه فعالیت اجتماعی زنان نباید مانع فعالیت‌های همسری و مادری آنان شود. به عبارت دیگر، نقش همسری و مادری مهم‌ترین نقش و رسالت زنان است و نکته دوم ضرورت تناسب محل کار با احکام و ملاحظات شرعی است (مقام معظم رهبری: ۱۳۹۰/۱۰/۱۴).

بر اساس بررسی شواهد تاریخی، روایی و اندیشه متفکرین دینی، نقش و وظایف زنان را می‌توان در سه دسته تقسیم‌بندی کرد، نقش و وظیفه اول آنان در نسبت با حکومت و امام جامعه تعریف می‌شود. در درجه بعد، اصلی‌ترین وظیفه آنان در خانواده است و در نهایت وظیفه زنان نسبت به سایرین مطرح می‌شود.

زنان در وهله نخست در قبال امام المسلمین و حکومت اسلامی وظیفه دارند و در صورت تراحم این وظیفه با سایر نقش‌ها مانند همسری و مادری، این نقش رجحان دارد. چنانچه سیره حضرت زهرا سلام الله علیها و حضرت زینب علیها السلام مؤید این برداشت می‌باشد.

وظیفه زنان نسبت به حکومت اسلامی و ولی جامعه:

حمایت و یاری امام المسلمین:

بررسی زندگی حضرت زهرا (سلام الله علیها) نشان می‌دهد که ایشان اولین وظیفه زن را که همانند جهاد دفاعی بر زن واجب است (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۷) را دفاع از کیان حکومت اسلامی و ولی جامعه می‌داند. ایشان در روایتی بهترین زن را کسی می‌داند که نامحرمی او را ندیده باشد (نعمان بن محمد، ۱۳۸۵ق، ج ۲: ۲۱۵) اما زمانی که مسأله حفظ نظام اسلامی و حمایت از ولی جامعه مطرح می‌شود خودشان شخصاً هم به در خانه اصحاب می‌روند (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۸۲)، هم در مسجد مدینه خطبه فدکیه را برای تنویر افکار عمومی می‌خوانند (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶: ۲۶۴) و هم به زیارت قبر حمزه سیدالشهداء می‌روند (کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۳:

۲۲۸). سیره حضرت زهرا نشان می‌دهد که در مواقعی که اصل حکومت و یا امام جامعه در خطر است، زنان با حضور اجتماعی و روشنگری خود موظف به تبیین‌گری و حراست از دین و ولی جامعه هستند. این رفتار نشان دهنده این است که اولین وظیفه زنان در برابر حکومت اسلامی و ولی جامعه است.

زنان علاوه بر حمایت از ولی جامعه در موارد دیگری هم می‌بایست با حضور اجتماعی خود به حکومت اسلامی کمک کنند. اصلی‌ترین حوزه‌های حضور اجتماعی زنان در کمک و یاری به حکومت‌ها در چهار حوزه نظامی، تعلیمی، فرهنگی - تبلیغی و سیاسی می‌باشد. که در ادامه به بیان این نقش‌ها می‌پردازیم.

حضور اجتماعی و نقش زنان در فعالیت‌های نظامی:

یکی از نقش‌های بسیار مهم زنان نقش آفرینی آنان در عرصه نظامی می‌باشد. زنان در دوران پیامبر صلی الله علیه و آله، به صورت مستقیم و غیرمستقیم در اغلب جنگ‌ها، به ایفای نقش‌هایی متناسب با خود می‌پرداختند. از جمله اموراتی که زنان در جنگ‌ها عهده دار بودند شامل موارد ذیل است:

الف) خدمات پزشکی و درمانی:

پرستاری از مجروحان: امّ عطیه می‌گوید: «من در هفت غزوه به همراه پیامبر (صلوات الله علیه و آله) شرکت کردم و علاوه بر انبارداری، معالجه مجروحین جنگی را نیز عهده دار بودم» (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۸: ۳۳۳) و (محمد بن عمر واقدی، ۱۳۶۱ق، ج ۱: ۲۴۹). همچنین نقل شده که فاطمه زهراء سلام الله، در جنگ احد به معالجه جراحت پیامبر صلی الله، پرداخت. (محمد بن عمر واقدی، ۱۳۶۱ق، ج ۱: ۲۵۰) و (المعجم الکبیر، ج ۶، ص ۱۷۲، ح ۵۸۹۷). ربیعہ دختر معوذ بن عقرء، از زنان متعهدی است که چنین مسئولیتی را عهده دار بود. وی می‌گوید: " آنگاه که با رسول خدا (صلوات الله علیه و آله) در جنگی شرکت می‌جستیم به رزمندگان خدمت کرده، آنان را سیراب می‌کردیم و مجروحان را مداوا می‌کردیم". (الحسون، ۱۴۲۱ق: ۷۱۵ و ۱۹۵ و ۲۰۲) و نکته قابل ذکر بعدی آنکه همکاری بانوان در جنگ‌ها به شکل داوطلبانه و متناسب با توانمندی‌هایشان بوده است.

ب) پشتیبانی غذایی در جبهه:

گفته شده در جنگ احد که بسیاری از نیروهای مسلمان فرار کردند، ۱۴ تن از زنان که دختر پیامبر صلی الله نیز در میان آنان بودند؛ به رزمندگان آب و غذا رساندند. (محمدبن عمر واقدی، ۱۳۶۱ق، ج ۱: ۲۴۹)

ج) آشپزی:

ام عطیه می گوید در ۷ جنگ همراه پیامبر بوده و برایشان آشپزی هم انجام می داد. غَزَوْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَبْعَ غَزَوَاتٍ فَكُنْتُ أَصْنَعُ لَهُمْ طَعَامَهُمْ وَأَخْلُقُهُمْ فِي رِحَالِهِمْ وَأَدَاوِي الْجَرْحَى وَأَقُومُ عَلَى الْمَرْضَى. (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۸: ۳۳۳)

د) تهیه دارو:

ام ایبه می گوید در جنگ خیبر همراه پیامبر بودیم که حضرت از دلیل آمدنمان به جنگ پرسید و ما هم در پاسخ دلایل آوردیم از جمله تهیه دارو برای مداوای مجروحین بود. (متقی هندی، ۱۴۱۹ق: ۳۴۵)

ه) رساندن مهمات به رزمندگان:

ام ایبه ضمن برشمردن فعالیت‌های خود در جنگ خیبر گوید: "تیرها را برای رزمندگان فراهم می کردیم". (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۷: ۳۲۳)

حضور اجتماعی زنان به عنوان نقش تعلیمی:

زنان در اسلام علاوه بر نقش تعلیمی برای خودشان به عنوان راویان احادیث و احکام دین، برای مردان نیز نقش تعلیمی و آموزگاری داشتند. فعالیت‌های علمی و تعلیمی بانوان در قبل ظهور اسلام، چندان رایج نبود. با بررسی منابع به نظر می آید در ابتدا بنا به دستور پیامبر صلی الله، آموزش انفرادی میان بانوان فرهیخته و مسلمان شکل گرفت و با گذر زمان برگزاری جلسات تعلیمی هم رایج گردید. گفته شده پیامبر صلی الله، به برخی زنان باسواد دستور دادند که به دیگر زنان آموزش دهند. (بلاذری، ۱۹۸۷م: ۴۵۴)

همچنین در زمان حیات و پس از رحلت پیامبر (صلوات الله علیه و آله)، مردم در مسائل دینی و فقهی به حضرت فاطمه (س) و همسران پیامبر (صلوات الله علیه و آله) مراجعه می‌کردند. همچنین در زمان حیات و پس از رحلت پیامبر (صلوات الله علیه و آله)، مردم در مسائل دینی و فقهی و... به حضرت فاطمه (س) مراجعه می‌کردند. (العاملی، ۱۴۱۸ ق، ج ۱: ۵۳). علاوه بر آن، مشورت گرفتن برخی اصحاب در دوره پیامبر از زنان در مورد تصمیم‌ها و اقداماتشان هم مورد توجه است. (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۵، ج ۱۲: ۴۲۸)

حضور اجتماعی زنان به عنوان نقش فرهنگی و تبلیغی:

حضرت زینب سلام الله علیها بهترین مصداق برای بیان این نقش در زنان است. ایشان علاوه بر نقشی که برای حفظ جان امام سجاد علیه السلام انجام داد (بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۱۱: ۹۶۵)، با درایت، تدبیر، قدرت روحی بالا و سخنوری اعجاب آور، حماسه سیدالشهداء و اصحابشان را به مثابه الگویی برای حرکت و قیام فردی، خانوادگی و اجتماعی در طول تاریخ ماندگار کردند. هدایت و راهبری ایشان و بیان خطبه‌های روشنگرانه‌شان در کوفه (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۳۰۴) و در شام (ابن طیفور، بی تا: ۳۴) باعث شکل‌گیری جریانی تاریخی-تمدنی علیه ظلم و استبداد شده است.

استفاده از قدرت سخنوری برای تشجیع رزمندگان:

ام‌الخیر از زنان نامدار صدر اسلام است. او از قدرت تکلم بالایی برخوردار بود و خطیب بلیغی شمرده می‌شد. این زن به نام عرب، در کوفه زندگی می‌کرد و محضر امیرالمومنین علیه السلام را درک کرد. درباره این بانو نقل شده که در جنگ صفین حضور داشت. او در حالی که سوار بر شتر بود و تازیانه‌ای را در دست می‌چرخاند؛ به میدان جنگ رفته و سخنرانی مهیجی همراه با مضامین عرفانی، قرآنی و استدلالی نمود. او سخن خود را با آیه‌ای از قرآن آغاز کرد و سربازان را به معاد متذکر شد. همچنین دشمنان را مشابه کافران دانست که می‌خواهند انتقام جنگ بدر را بستانند؛ و سربازان سپاه کوفه را به حمایت از امیرالمومنین علیه السلام دعوت نمود و از فرار برحذر داشت. همچنین که این قبیل عملکردها در قبل از اسلام نیز رایج بوده. زنان با حضور در میدان‌های جنگ و خواندن اشعار حماسی به تشویق مردان می‌پرداختند. ولی آنچه که در رابطه با عملکرد این

بانوی با بصیرت و متقی مورد توجه است؛ اکتفا نکردن به اشعار حماسی صرف و ابلاغ مفاهیم اعتقادی و سیاسی روز، همراه با پرده برداری از فتنه انگیزان صحنه نبرد می‌باشد. نقش تبلیغی ام‌الخیر، در جنگی که حق و باطل مخدوش شده؛ موجب برملاء شدن توطئه‌های منافقانه معاویه و اتمام حجت با سربازان کوفه است. (عبدالله جوادی آملی، ۱۳۸۶ ش: ۲۵۴ - ۲۶۴)

استفاده از اشعار حماسی برای تشجیع رزمندگان:

سوده همدانی زنی فعال در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی بود. درباره او، دو روایت در دست است که جالب توجه می‌باشد. گفته شده سوده در جنگی که امیرالمومنین علیه السلام با امویان داشت؛ در تشجیع برادرانش برای نبرد با دشمن شعر سرایی می‌کرد و آن‌ها را به جنگ ترغیب می‌نمود. گفتنی است که معاویه پس از گذشت سال‌ها و در دیداری که در دوران حکومتش با سوده داشت؛ او را شناخت و به سوده گفت: "حضور برادرت در آن جنگ یک امر عادی نبوده. او جزو سلحشوران و نام‌آور جنگ علوی بود و تو او را با اشعار تشجیع می‌کردی. سپس معاویه اشعاری را که سوده در آن موقع خوانده بود، خواند." این نوع حضور لطیف و اثربخش بانوان در حوادث مهم سیاسی و اجتماعی خشک و خشن نظیر جنگ، به طوری که دشمن را مکدر می‌کند و تا سال‌ها در خاطر می‌ماند؛ ثمره حساسیت بانوان به سرنوشت جامعه اسلامی می‌باشد. (عبدالله جوادی آملی، ۱۳۸۶ ش: ۱۴۷ - ۱۴۹)

روایتی دیگر که درباره این بانو گفته شده، اعتراض به عملکرد یکی از کارگزاران امیرالمومنین علیه السلام و بردن شکایت خدمت آن حضرت است. سوده به عنوان نماینده قوم خود، به جهت بردن شکایت والی ظالم به مرکز حکومت علوی مراجعه نمود. و ماجرای دیدار آن حضرت را چنین نقل کرد: "...وقتی وارد منزل حضرت شدم، ایشان را در حال نماز و عبادت خدا یافتم. او نماز را رها کرد و با یک نگاه رثوفانه و عطوفانه به من فرمود: آیا کاری داری؟ عرض کردم: آری، کارگزار شما در مسائل مالی قسط و عدل را رعایت نمی‌کند و بر ما ستم روا می‌دارد. وقتی این گزارش به عرض علی بن ابی طالب علیه السلام رسید واز شواهد این گزارش، صدق اصل گزارش روشن شد؛ علی بن ابی طالب علیه السلام گریه کرده و دست به آسمان برداشت و عرض کرد "اللهم انی لم امرهم بظلم خلقک ولا بترک حقک". خدایا من کارگزارانم

را چنان تربیت نکردم که به آن‌ها ظلم را اجازه داده باشم، یا ترک حق خدا را تجویز کرده باشم، آنگاه قطعه پوستی از جیش در آورد و در آن رقعہ این چنین مرقوم فرمود: "بسم الله الرحمن الرحيم قد جاء تکم بينه من ربکم فافوا الکیل و المیزان بالقسط و لا تبخسوا الناس اشیاءهم و لا تعثوا فی الارض مفسدین بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین و ما انا علیکم بحفیظ. (اعراف: ۸۵) اذا قرأت کتابی فاحفظ بما فی یدیک من علمنا حتی یقدم علیک من یقبضه منک و السلام ...". پس از آن دیدار، سوده نامه امیرالمؤمنین علیه السلام را گرفت و به دیار خود رفت و با عزل کارگزار ظالم، مشکل حل شد. (عبدالله جوادی آملی، ۱۳۸۶ ش: ۱۴۷-۱۴۹)

نقش سیاسی زنان در حکومت دینی

بیعت:

در نگاه دینی زنان دارای نقش سیاسی در جامعه هستند. هم در قرآن موضوع بیعت زنان با پیامبر مطرح شده (ممتحنه: ۱۲)، و هم در سیره پیامبر موارد متعدد (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۸: ۳۰۳ و ۴) از بیعت بانوان نظیر بیعت رضوان، بیعت فتح مکه و بیعت زنان مدینه، ذکر شده که مهمترین بیعت زنان، بیعت با حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به صورت رسمی و علنی بود (مجلسی، ۱۳۶۸ ش، ج ۲۱: ۳۸۸). نکته حائز اهمیت این است که با روی کار آمدن خلفا در تاریخ، مشاهده نمی‌شود که این نقش را برای زنان قائل شده باشند. به عبارت دیگر، حق رأی از آنان سلب شد. بعد از بیان وظایف زنان در قبال حکومت و ولی جامعه در سطح بعد وظیفه زنان در خانواده مطرح است. این قسم از نقش زنان از اصلی ترین و مهم ترین نقش های آنان است که در اسلام به آن توجه ویژه شده است.

بررسی وظیفه و نقش زنان در خانواده:

در روایات (کلینی، ۱۳۶۳ ش ج ۵: ۹ و حر عاملی، ۱۴۱۴ ق ج ۱۱: ۱۵) جهاد زنان را خوب همسررداری دانستند. این نگاه دارای یک عقبه و ریشه فکری است که باید بدان توجه جدی شود تا فهم مناسبی از این روایات صورت گیرد. این روایت زمانی از پیامبر اسلام مطرح شد که زنی خدمت ایشان رسید و از تبعیض میان زن و مرد در اسلام اعتراض کرد که چرا با وجود ثواب فراوان جهاد در راه خدا زنان نقش اصلی مبارزه را ندارند؟ حضرت محمد صلوات الله علیه و آله به

این زن فرمودند خوب همسررداری جهاد زن است (سیوطی، ۱۴۱۴ق، ج ۴: ۵۱۸). مقام معظم رهبری در تفسیر این روایت این گونه بیان می‌کنند: "یعنی ثواب مجاهدت آن جوانی را که رفته توی میدان جنگ و جان خودش را کف دستش گرفته، به خاطر این کار، به این زن میدهند؛ چون این کار هم زحمتش کمتر از آن نیست. البته شوهررداری خیلی سخت است. با توقعاتشان، با انتظاراتشان، با بداخلاقی‌هاشان، با صدای کلفتشان، با قد بلندترشان؛ خب، زنی بتواند با این شرایط، محیط خانه را گرم و گیرا و صمیمی و دارای سکینه و آرامش - سگن - قرار بدهد، خیلی هنر بزرگی است؛ این واقعاً جهاد است؛ این شعبه‌ای از همان جهاد اکبری است که فرموده‌اند؛ جهاد با نفس است" (مقام معظم رهبری: ۱۳۹۰/۱۰/۱۴).

اهمیت تلاش مادران و همسران در منزل به قدری است که حضرت امام رحمه الله علیه بیرون رفتن زنان از منزل در صورتی که به انجام وظایف خانه نرسند را دسیسه استکبار می‌داند و ریشه همه یا اکثر مفاسد انسان‌ها را در عقده ناشی از فقدان محبت مادرانه عنوان می‌کند (خمینی، ج ۹: ۲۹۳). این ثواب عظیم و این تأکید زیاد به سبب اهمیت بنیان خانواده در نگاه اسلام است که با تقسیم کار میان زنان و مردان برای هر کدام نقشی را تعریف می‌کند.

"بنابراین مسئله‌ی خانواده، مسئله‌ی بسیار مهمی است؛ پایه‌ی اصلی در جامعه است، سلول اصلی در جامعه است... بدن که غیر از سلول‌ها چیز دیگری نیست. هر جهازی، مجموعه‌ی سلول‌هاست. اگر ما نتوانستیم سلول‌ها را سالم کنیم، پس سلامت آن جهاز را داریم. مسئله این قدر اهمیت دارد. جامعه‌ی اسلامی، بدون بهره‌مندی کشور از نهاد خانواده‌ی سالم، سرزنده و بانشاط، اصلاً امکان ندارد پیشرفت کند" (مقام معظم رهبری: ۱۳۹۰/۱۰/۱۴).

در دیدگاه اسلامی، سلول اصلی تشکیل دهنده جامعه خانواده است. در نتیجه بنای تدابیر اسلام، بر تشکیل و تقویت هویت و ساختار خانواده است. برای ایجاد پایدار این بنا باید جاذبه و کشش اصلی میان زن و مرد وجود داشته باشد تا بتوانند در وهله اول، تشکیل خانواده دهند و علاوه بر آن، این تشکیل خانواده در بستر زمان ادامه دار باشد و کشش و میلی زودگذر و موقت نباشد. لذا می‌بایست تمایل و جذب زن و مرد به یکدیگر قائم به طبیعت آنان باشد تا در طول زمان، تزلزلی در این بنای اساسی جامعه دینی به وجود نیاید. بر این اساس، تکالیفی منطبق با طبیعت کلی زنانه و مردانه بر عهده آنان گذاشته شده؛ تا بتوان اولاً خانواده‌ی شکل بگیرد و ثانیاً

این خانواده در طول زمان در کنار یکدیگر آرامش لازم برای حرکت تکاملی خود و در نتیجه جامعه را داشته باشد.

به نظر می‌رسد اگر از زاویه تشکیل و تقویت هویت و نظام خانواده به تکالیف زن و مرد نگاه نشود، با شبهات فراوان در بیان قرآن و روایات مواجه خواهیم شد که مجبور خواهیم بود به تکلف افتاده و جهت اسکات خصم، پاسخی بخشی و جزئی به هر سؤال دهیم. خداوند با غلبه لطافت و محبت در طبیعت زنانه و مدیریت و عقلانیت در طبیعت مردانه، دو دستگاه منطقی با نظام غرائز متناسب با این طبیعت را ایجاد و به هم محتاج کرد. منطق زنان، احساس پایه و منطق مردان عقل پایه است. جالب است که هر کدام بدون دیگری نمی‌تواند عامل تکامل فرد و در نهایت جامعه شود. البته این سخن، به این معنا نیست که همه زنان و مردان این گونه هستند و یا در سطح معین و ثابتی از عقل و احساس قرار دارند؛ بلکه بنابر عللی، برخی خانم‌ها و آقایان از این دایره خارج هستند و در هر کدام هم احساس و هم عقل تشکیکی است. در حقیقت دستگاه خلقت، یک جنس انسان را با دو طبیعت انشاء کرده که هر طبیعت هم علاوه بر غرایز مشترک در جنس انسان، غرایزی متفاوت و متناسب با دو طبیعت زن و مرد قرار داده که به این وسیله کانون خانواده شکل گرفته و مستحکم می‌شود.

اسلام نگاهی بسیار متعالی به خانواده و نقش محوری زنان در آن داشته و قائل به تفاوتی در خلقت، میان زن و مرد و یا برتری مردان نسبت به زنان نبوده؛ و بر اساس طبیعت جسمی و روحی زنان و مردان و همچنین بنا بر نگاه به خلقت اجتماعی و خانواده محور انسان، تکالیفی را برای زنان و مردان در نظر گرفته است. بر این اساس نقش مدیریت منزل، رسالت اصلی زنان و مدیریت بیرون از منزل نقش اصلی مردان است. این سخن بدین معنا نیست که زن در بیرون از خانه و مرد در داخل خانه تکلیفی ندارد؛ بلکه کار ویژه و اصلی هر کدام را مشخص کرده است. توضیح دیگر اینکه در این موارد بر اساس غلبه قضاوت شده است، یعنی در جنس زنان و جنس مردان غلبه طبعی این گونه است که بانوان برای کارهای داخل منزل، مناسب‌تر و آقایان برای امورات بیرون از منزل مناسب‌ترند و بدون تردید این قاعده استثنا بردار است.

بر اساس نکات بیان شده می‌توان گفت، رسالت اصلی زنان که همان جهاد زنان می‌باشد خوب همسررداری تعریف شده که نشان دهنده این نکته است که اصلی‌ترین نقش زن در قبال همسرش

می‌باشد. در مرحله بعد بر طبق روایت پیامبر که فرمودند: ... فامرته راعیه علی اهل بیت بعلها و ولده و هی مسئوله عنهم... مسئولیت زن را در قبال فرزندان دانستند و پاداش فروان به واسطه این تکلیف برای مادران در نظر گرفتند.

نقش مدیریت منزل:

زنان محور مدیریت منزل هستند که در حقیقت این مدیریت مهم‌ترین نقش زنان بوده و در سه بخش همسری، مادری و مدیریت خانه و خانواده تقسیم می‌شود. پیامبر گرامی اسلامی زنان را فرمانروای خانه می‌دانند (پابنده، ج ۲: ۶۱۵). زمانی که والاترین ازدواج اسلام میان امیرالمومنین و حضرت زهرا سلام الله علیهما صورت گرفت از پیامبر خواستند تا میان آن‌ها تقسیم کار کند. پیامبر اسلام که به تعبیر قرآن ما ینطق عن الهوی (نجم: ۳) است و سخن او همان دستور الهی می‌باشد، کارهای داخل خانه را به فاطمه (سلام الله علیها) و کارهای بیرون خانه را به علی (علیه السلام) واگذار کرد. حضرت فاطمه (سلام الله علیها) پس از این قضاوت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: کسی جز خدا نمی‌داند از این که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مرا از رنج معاشرت با مردان معاف داشت، چقدر خوشحال شدم (مجلسی، ۱۳۶۸ ش، ج ۴۳: ۸۱). این تقسیم کار صرفاً اعتباری نبوده بلکه طبیعت مردانه و زنانه را خداوند به گونه خلق کرده که تمایل طبیعی به همدیگر جهت تشکیل خانواده داشته باشند. مدیریت و خواست زنان در منزل به میزانی اهمیت دارد که حتی معصوم علیرغم میل باطنی و صرفاً جهت خواستن همسرشان، نوع و مسائل منزل متفاوت و لباس‌های رنگی خاص می‌پوشیدند (کلینی، ۱۳۶۳ ش، ج ۶: ۴۷۶).

زن مسئول خانه و فرزندان است^۱. زن مانند یک مرد قهرمان و فرد نیرومند نیست بلکه او همانند گل است و تعبیر المراه ریحانه لیست بقهرمانه (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ ق، ج ۳: ۵۵۶) به همین نکته اشاره دارد. مقام معظم رهبری نگاه اسلام به زنان را اینگونه معرفی می‌کند: نظر اسلام در باب خانواده و جایگاه زن در خانواده، نظر خیلی روشنی است. «المرأة سیده بیتها»؛ بزرگ خانه، زن

۱. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): كُنْكُمْ رَاعٍ وَ كُنْكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَ الْأَمِيرُ الَّذِي عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَ الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ وَ الْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَ وُلْدِهِ وَ هِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ وَ... (ارشاد القلوب دیلمی، ج ۱: ۱۸۴)

خانه است؛ این از پیغمبر اکرم است. جایگاه زن در خانواده، همانی است که در گفتارهای گوناگون ائمه (علیهم‌السلام) آمده: «المرأة ریحانه و لیست بقهرمانه». در تعبیرات عربی، قهرمان یعنی کارگزار، پادو، یک خدمتگزار محترم. می‌فرماید: در داخل خانه، زن قهرمانه نیست؛ ریحانه است، گلِ خانه است (مقام معظم رهبری: ۱۴/۱۰/۱۳۹۰). ایشان حتی حق زنان در خانه را بیشتر از مردان دانستند چون وظایف سنگین‌تری را برعهده دارند و به خاطر همین حق بیشتر روایات ما نیکی را در سه مرحله از آن مادر و بعد از آن برای پدر در نظر می‌گیرد (مقام معظم رهبری: ۲۰/۷/۷۳).

کارکرد اصلی این مدیریت منزل در نگاه دینی باید منجر به آرامش و سکون برای خانواده شود. در سوره روم آیه ۲۱ این کارکرد مورد توجه قرار گرفته است.^۱ بر این اساس امام سجاد سلام الله علیه در رساله حقوق این‌گونه بیان می‌کند که حق زن این است که بدانی خداوند عزوجل او را مایه آرامش و انس تو قرار داده و این نعمتی از جانب اوست. پس احترامش کن و با او مدارا نما، هر چند حق تو بر او واجب تر است اما این حق اوست که با او مهربان باشی (شیخ صدوق، ۱۳/۴۱۳، ج ۲: ۶۲۱).

برای تحقق این نقش محوری بانوان می‌بایست ساز و کارهای اجتماعی و نهادی تعریف کرد والا در تعارض این نقش با سایر نقش‌های اجتماعی زنان، آنان متحمل سختی‌ها و ملالت‌های فراوان خواهند شد. نمی‌شود از زن انتظار مدیریت خانه را داشت اما نظام‌های اجتماعی ما مانند نظام آموزشی نه تنها حامی این دیدگاه نیستند بلکه مقابل و ضد این دیدگاه عمل می‌کنند. مقام معظم رهبری در اهمیت و ضرورت توجه به این نکته قائل به تلاش بیشتر جمهوری اسلامی برای تحقق این امر هستند: تحقق خواسته‌ی اسلام در خانواده، یک امری است که با این بیانات تمام نمیشود، حل نمی‌شود؛ احتیاج به پشتوانه‌ی قانونی، پشتوانه‌ی اجرائی و ضمانت اجرائی دارد؛ و این کار باید انجام بگیرد. این کار در طول سال‌های متمادی گذشته انجام نگرفته است. خانواده‌هایی که متدین بودند، مردانی که از اخلاق خوب برخوردار بودند و پایبندی‌های شرعی داشتند، ملاحظاتی کردند؛ اما در مواردی که این خصوصیات نبوده، این ملاحظات نشده؛ به زن در داخل خانواده ظلم شده (مقام معظم رهبری: ۱/۳/۱۳۹۰).

۱. وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَبِرُونَ.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

فهم درست از نقش و جایگاه زنان زمانی شکل می‌گیرد که این نقش را با توجه به سه موضوع دیگر در نظر گرفت. اول وظیفه زنان نسبت به حکومت و امام جامعه، دوم نقش و وظیفه زنان در خانواده و سوم، توجه به شاکله روحی و جسمی زنان.

بر اساس پژوهش صورت گرفته زنان همانند مردان به عنوان عضوی از پیکره جامعه، وظیفه اولی شان در قبال حکومت اسلامی و امام جامعه است. در حوزه عمومی حکومت اسلامی نیز برخی وظایف مخصوص زنان است، مانند پزشکی و سلامت بانوان و یا آموزش و تعلیم و تربیت زنان و برخی دیگر هم عمومی میان آحاد جامعه است مانند دفاع از کیان حکومت دینی و ولی جامعه و یا نقش فرهنگی و سیاسی. در صورتی که این نقش با سایر نقش‌های آنان دچار تداخل شود، در آن صورت اولویت و اولیت نقش و وظیفه زنان با حفظ نظام اسلامی و امام جامعه است. البته باید توجه داشت همان‌گونه که در اندیشه متفکرین دینی توضیح داده شد، علاوه بر وظیفه زنان نسبت به حکومت و امام جامعه، وظیفه و نقش دیگری برای زنان لحاظ شده است که آن نقش خاص بانوان در شکل دهی و تحکیم نهاد خانواده می‌باشد. در شرایط عادی نباید سایر نقش‌ها، ایفای نقش همسری، مادری و مدیریت منزل را به حاشیه برد، چراکه رسالت اصلی زنان برای ایجاد تمدن سازی از طریق شکل دهی خانواده مطلوب می‌گذرد.

به نظر می‌رسد مهم‌ترین و راهبردی‌ترین مسأله در حوزه زنان، توجه به نقش خانواده در ساخت جامعه دینی است. اگر زنان را جدای از خانواده مورد بررسی قرار دهیم در دامن شبهاتی از منابع درون دینی و برون دینی خواهیم افتاد که پاسخ دادن به آنان دشوار و یا حتی غیر ممکن خواهد بود. ایجاد یک تمدن عظیم، متوقف به شکل دهی سلول‌ها و اجزاء قوی آن است، که بتواند منجر به ایجاد یک روح کلی و یک کالبد و نظام اجتماعی قوی شود. در نگاه اسلامی، خانواده اصلی‌ترین سلول تشکیل دهنده جامعه است. باید توجه داشت که ایجاد یک خانواده مستحکم و تمدن ساز متوقف به حضور مؤثر زنان به عنوان رب‌البت و مدیر خانواده جهت تربیت فرزندان و ایجاد محیط مناسب برای اعضای خانواده جهت به فعلیت رساندن استعدادها و توانمندی‌های آنان می‌باشد. به عبارت دیگر اگر بخواهیم جامعه‌ای را از قدرت تمدن سازی

بیندازیم و مانع جدی و اساسی پیش روی آن جامعه قرار دهیم، راهبردی ترین اقدام منحرف کردن زنان از جایگاه متعالی خودشان در خانواده است.

در نتیجه باید توجه داشت میزان حضور و مشارکت اجتماعی بانوان بدون در نظر گرفتن محوریت خانواده در تمدن نوین اسلامی، منجر به ارائه نسخه‌هایی مغایر با رویکرد تمدنی می‌شود. اصل حضور زنان و مشارکت آنان گرچه در میان فقها اختلافی است؛ اما بر اساس آموزه‌ها و اهل بیت علیهم السلام و به تاسی بنیان نظری انقلاب اسلامی، "حضور اجتماعی خانواده محور" زنان اسباب رشد خانواده و جامعه است. خانواده محوری به قدری در نگاه دینی جایگاه مهمی دارد که حتی شاکله و طبع زنان و مردان جهت شکل‌گیری مستحکم و منسجم کانون خانواده، متفاوت خلق شده‌اند.

نکته حائز اهمیت توجه به موضوع ساخت نظام‌های اجتماعی مبتنی بر نقش خانواده محور زنان است. به نحوی که بتواند مدیریت منزل را انجام داده و توان انجام سایر نقش‌های اجتماعی خود را نیز داشته باشد. به عبارت دیگر نظام تحصیل، تربیت و اشتغال زن متناسب با نقش محوری او یعنی مدیریت منزل باید تسهیل شده و سامان یابد.

یکی از مهم‌ترین پیشران‌های انقلاب اسلامی برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی، ایجاد ساز و کارهای مبتنی بر حضور اجتماعی خانواده محور زنان در حوزه مختلف علمی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی می‌باشد که می‌بایست توسط مجموعه‌های سیاست‌گذار و قانون‌گذار مورد توجه جدی قرار گیرد. در حوزه نقش‌آفرینی اجتماعی زنان، علی‌رغم موفقیت‌هایی در حوزه ایجاد زیرساخت‌های اجتماعی به نحوی که هم فعالیت‌های مادری و همسری و هم الزامات شرعی رعایت شود؛ هنوز راه نرفته زیادی در حوزه‌های پژوهشی، اندیشگامی و راهبردی وجود دارد تا نظام‌های اجتماعی ما در حوزه‌ها و عرصه‌های مختلف بتواند شاهد حضور اجتماعی زنان در تمدن‌سازی باشد.

فهرست منابع

قرآن کریم

- مقام معظم رهبری: ۱۳۷۸/۱۲/۲۲ - ۱۳۹۰/۱۰/۱۴؛ نشست راهبردی زنان و خانواده، <https://farsi.khamenei.ir/>.
- Ibn Abi al-Hadid, Commentary on Nahjul-Balagha, School of Ayatollah al-Mar'ashi al-Najafi, Iran: Qom, vol. 16, 1404. (In Persian)
- Ibn Athir, Ali Ibn Muhammad, Asad al-Ghaba fi Marafah Sahabah, Dar al-Fikr, Beirut-Lebanon, Volume 6, 1409. (In Persian)
- Ibn Hajar Asqalani, Ahmad ibn Ali, Tahdhib al-Tahdhib, Dar Sadr Beirut, 2nd ed. (In Persian)
- Ibn Saad, Tabaqat al-Kubari, Dar al-Katb al-Elamiya, Beirut-Lebanon, volume 9, 1410. (In Persian)
- Ibn Tafur, Ibn Abi Tahir, Balaghat al-Nisa, Al-Sharif al-Razi, Iran: Qom, Bita 1410. (In Persian)
- Ibnshahrashoob, Muhammad bin Ali, and Beqaei, Yusuf. Manaqib Al Abi Talib (AS). 5 c. Beirut-Lebanon: Dar al-Audha, 1412-1991. (In Persian)
- Ahmed bin Yahya bin Jaber bin Dawud al-Balazuri, Jamal Man Ansab al-Ashraf, published by Dar al-Fikr, Beirut-Lebanon, volume 13, 1417. (In Persian)
- Imam Khomeini, Imam's Page, Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, Tehran-Iran, 5th edition, Volume 22, 2010. (In Persian)
- Ayatollah Javadi Amoli, Woman in the Mirror of Glory and Beauty, Israa Publishing Center, 1386. (In Persian)
- Bahrani Isfahani, Abdullah, Worlds of Sciences and Knowledge, Imam Hadi Seminary (peace be upon him), Qom-Iran, 1984. (In Persian)
- Bahrani, Abdullah bin Noorullah, Worlds of Sciences, Imam Mahdi School, Iran: Qom, 1375. (In Persian)
- Balazri, Ahmad bin Yahya, Fatuh al-Baldan. 1 c. Beirut - Lebanon: Al-Maarif Foundation, 1987-1407. (In Persian)
- Belazari, Ahmed bin Yahya, and the Institute of Manuscripts in the Arab League. Ansaab al-Ashraf Volume 5. Egypt -: Dar al-Maarif, 1338 AH-1959. (In Persian)
- Payandeh, Abolghasem, Nahj al-Fasaha, Publisher: Tehran: Donya Danesh, 2003. (In Persian)
- Jabbarpour, Mohammad, In the quest for earthly paradise, Tehran: Sadid, 2014. (In Persian)
- Al-Hassan Nur al-Din Ali bin Abi Bakr bin Suleiman Al-Haythami, Majam Al-Zawaed and Source of Benefits, Al-Qudsi Library, Cairo-Egypt, 10 volumes, 1414. (In Persian)
- Hassoun, Mohammad and Mashkoor, Umm Ali, Aalam-ul-Nisa, Asvah, Tehran-Iran, second edition, 1421. (In Persian)
- Daylami, Hassan bin Muhammad, Irshad al-Qulub Daylami, Qom: Al-Sharif al-Radi, Volume 1, 1371. (In Persian)
- Zain al-Din ibn Ali, Shahid Thani, Methods of Understanding to the Clarification of Islamic Laws, Islamic Education Foundation, Iran: Qom, 1413. (In Persian)
- Zain al-Din Bin Ali, Shaheed Thani, Al-Rawda al-Bahiya fi Sharh al-Lama' al-Damashqiya, Commentary: Kalanter, Seyyed Muhammad, Al-Zakhaer al-Islami Jamjam, Qom-Iran, Volume 5, 1410. (In Persian)

- Siyuti, Abd al-Rahman bin Abi Bakr, Al-Dar al-Manthor, Dar al-Fikr, Lebanon: Beirut, 1414. (In Persian)
- Sharif al-Radi, Muhammad ibn Hussein, Nahjul-Balagha, translated by Dashti, Muhammad, famous, Qom-Iran, 1379. (In Persian)
- Sheikh Saduq, Man la yahdrah al-faqih, Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers' Association, Qom-Iran, Volume 4, 1413. (In Persian)
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein, Translation of Tafsir al-Mizan, Translator: Mousavi Hamedani, Seyyed Mohammad Baqir, Islamic Publishing Office of the Qom Seminary Teachers' Association, Qom-Iran, 11th edition, Volume 20, 1999. (In Persian)
- Tabarani, Suleiman bin Ahmad, Salafi, Hamdi Abdul Majid, Abdul Hadi, Riyad Abdullah, Hamid, Saad bin Abdullah, and Jarisi, Khaled bin Abdul Rahman. No date. Al-Mu'jam Al-Kabir 26 c. Cairo - Egypt: School of Ibn Taymiyyah. (In Persian)
- Tabarsi, Ahmad ibn Ali, Al-Ihtjaj, Al-Murtaza Publishing House, Iran: Mashhad, 1403. (In Persian)
- Tabarsi, Ahmad ibn Ali, Protest, Morteza Publishing, Mashhad-Iran, Volume 2, 1403. (In Persian)
- Tabari Saghir, Mohammad Bin Jarir, Dalai al-Imamah, Al-Ba'ath Institute of Islamic Studies, Qom-Iran, 1413. (In Persian)
- Abedi Jafari, Hassan et al. (2011), Theme Analysis and Theme Network, Strategic Management Thought, Year 5, Issue 2, pp. 151-197. (In Persian)
- Ameli, Hurr, Wasa'il al-Shi'ah, Aal al-Bayt Institute, Qom-Iran, Volume 30, 1414. (In Persian)
- Ameli, Sayyid Jafar Morteza, The Tragedy of Al-Zahra, in Al-Sirah, Beirut-Lebanon, Volume 2, 1418. (In Persian)
- Allameh Hali, The end of rulings in the definition of rulings, Al-Bayt Institute, Qom-Iran, Volume 2, 1419. (In Persian)
- Allameh Majlisi, Bihar al-Anwar, Dar al-Kutub al-Islami, Volume 110, 1315. (In Persian)
- Kulayni, Muhammad ibn Yaqub, Al-Kafi, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyah, fourth edition, 1363. (In Persian)
- Muttaqi, Ali ibn Husam al-Din, Kanz al-Umal fi Sunan al-Aqwal wa al-Afaal, Dar al-Kutub al-Ilmiyah, Beirut-Lebanon, Volume 16, 1419. (In Persian)
- Majlisi, Mohammad Baqerbarharalanwar, Publishing House of Ihya Al-Trath Al Arabi - Beirut: Volume 43, 1368. (In Persian)
- Muhammad ibn Hassan Tusi, The Book of the Hidden, Islamic Knowledge Foundation, Qom-Iran, third edition, 1425. (In Persian)
- Motahari, Morteza, Collection of Works of Martyr Motahari, Sadra Publishing House, Qom-Iran, 7th edition, Volume 30, 1997. (In Persian)
- Motahari, Morteza, The Islamic Family System, Sadra Publishing, Qom-Iran, 2009. (In Persian)
- Nu'man bin Muhammad, Dua'im al-Islam, vol. 2, p. 215, Dar al-Ma'arif, Egypt, 1385. (In Persian)
- Waqdi, Mohammad bin Omar, Al-Maghazi, translated by Dr. Mohammad Mahdavi Damghani, University Publishing Center, Volume 3, 1982. (In Persian)

